

نوشته : دکتر جاوید صلاحی

کارآموز وکالت دادگستری

نقش پلیس در پیشگیری از جرایم اطفال

جرایم اطفال ، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که رابطه مستقیمی با صنعتی شدن کشورها و توسعه شهرها و ایجاد مراکز بزرگ صنعتی داشته و بهمین دلیل شروع پیدایش آن در جهان ، از اواخر قرن نوزدهم یعنی از زمانی است که انقلاب صنعتی بمرحله رشد خود رسیده و «ماشین» جای خود را در زندگی کشورهای بزرگ صنعتی جهان کاملاً باز کرده است. برای اتخاذ يك روش صحیح در مبارزه با جرایم اطفال از طرفی ، و برای تعلیم و تربیت صحیح اطفال گمراه ، ولگرد و بی‌سرپرست از طرف دیگر ، در کشورهای متمدنی کم‌کم باین فکر افتادند که دادگاه‌های خاصی بنام «دادگاه اطفال» تاسیس نمایند ،

باید توضیح داد که در اینگونه محاکم ، رئیس دادگاه در حقیقت علاوه بر نقش «قاضی» که بعهده دارد باید نقش يك «حامی» و ناصح مشفق را نیز در مقابل اطفال بزهکار برعهده بگیرد . البته ورود در این مبحث احتیاج به فرصتی بیشتر و تنظیم مقالات جداگانه‌ای دارد ، ولی در مقاله حاضر نظر ما بر اینست که با ارائه امثال و شواهدی از کشورهای مختلف ، نقشی را که پلیس میتواند در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان ایفا کند ، تشریح کرده و چگونگی آنرا مورد بررسی قرار دهیم .

دیرزمانی است که در کشورهای متمدنی باین نتیجه رسیده‌اند که در پیشگیری و مبارزه با جرایم اطفال ، پلیس میتواند همکاری مفید و مثبتی را با دادگاه‌های اطفال شروع کرده و در این امر بنحو قابل توجهی مؤثر باشد .

در حقیقت میتوان گفت که اصلاح و تربیت مجدد صغار بزهکار غالباً از کلانتریها شروع

میشود. امروزه در بسیاری از کشورها جرایم کوچک ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان، در کلانتریها رسیدگی شده و مسائل مربوط بان، بدون اینکه بداد گاه برسد، توسط رؤسای کلانتری حل و فصل میشود. اینکار گاهی بوسیله نصیحت یا توبیخ و گاهی نیز بوسیله جبران خسارت مجنی علیه و اخذ رضایت او عملی میگردد.

در بعضی از کشورهای بزرگ معمولاً رؤسای کلانتریها، توسط ماموران خود، تحقیقات لازمه را در مورد شرایط زندگی و وضع خانوادگی اطفال بزهکاران انجام داده و در صورت لزوم، سازمان یا اداره مربوط را برای اصلاح و تربیت مجدد طفل در جریان میگذارند.

میدانیم که در رسیدگی بجرایم، معمولاً اولین بازجوئی در کلانتریها انجام میگردد. از نظر طفلی که برای اولین بار مرتکب جرم شده است، این اولین تماس با پلیس بسیار واجد اهمیت است و چه بسا که در تمام دوران عمر او اثر خواهد گذاشت، اگر در این تماس اول، با طفل بخشونت و تندى رفتار شود، حتماً اثر نامطلوب آن تا مدت‌های مدید در ذهن و روح او باقی خواهد ماند و چه بسا که از پلیس و حتی از اجتماعی که در آن زندگی میکند نفرت و کینه بدل بگیرد، بنا بر این يك سهل انگاری کوچک و عدم توجه مقامات انتظامی بروحیه اطفال بزهکار موجب خواهد شد که اینگونه مجرمین اتفاقی برای تمام عمر در زمره «دشمنان جامعه» جای گرفته و به مجرمین تعمدی و کینه‌توز تبدیل شوند.

برعکس، هر گاه در همین اولین برخورد در کلانتریها با آنها خوش رفتاری شود و با وضع محیط آمیز و پدرانهای از آنها بازجوئی شود، همین خوش رفتاری کوچک توأم با نصایح مثبت غالباً باعث میشود که آنها از کرده خود پشیمان شده و براه راست هدایت شوند. با توجه به همین نکات روانشناسی است که امروزه در کشورهای مرقی بیش از پیش سعی میشود که برای پیشگیری از جرایم اطفال دستجات مخصوصی بنام «پلیس اطفال» تربیت کرده و آنها را برای مواجهه با این امر خطیر اجتماعی و تربیتی، با اصول روانشناسی اطفال و شناخت روحیات صغار بزهکار آشنا نمایند.

اخیراً پلیس بین‌المللی^۱ با استفاده از تجربیات چندین ساله خود در امر مبارزه با جرائم اطفال، نشریه کوچکی حاوی دستورالعملها و راهنمائیهای مفید جهت استفاده ماموران و پاسبانانیکه مستقیماً با اطفال و نوجوانان بزهکار تماس دارند، منتشر کرده است که مانکات مهم آنرا در زیر بطور خلاصه نقل میکنیم:

۱- حتی المقدور، دستگیری، توقیف و هدایت اطفال بزهکار بکلانتری یا دادسرا باید توسط ماموران در لباس شخصی انجام شده و بهتر است که اینکار در نهایت آرامش و بدون جلب توجه سایرین صورت بگیرد.

۱- Interpol

۲- عکسبرداری و انگشت نگاری از اطفال بزهار نباید بعمل آید مگر با اجازه صریح قاضی اطفال. نامبرده نیز بهتر است که جز در مورد جنایات و جنحه های بزرگ، و یاد باره مرتکبین تکرار جرم، از صدور چنین اجازه ای خودداری کند،

۳- مأموران پلیس در هنگام بازجویی از صغار، باید مطلقاً از اعمال زور و خشونت و حتی تهدید و فشار اخلاقی خودداری کنند. اطفال بزهار هر چه جوانتر باشند بازجویی از آنها باید ملایم تر و ملاحظت آمیز تر باشد.

بطوریکه فوقاً ذکر شد، پدیده جرایم اطفال بیشتر زائیده محیط های صنعتی است ولی آمار گران و متخصصین جرایم اطفال دو عامل دیگر را نیز در ازدیاد جرایم اطفال موثر میدانند و آندو عامل که کما بیش بیکدیگر وابستگی دارند عبارتند از: فقر و بیکاری.

واضح است که بیکاری و عدم اشتغال اطفال و نوجوانان بکارهای مفید و ثمر بخش، خود بخود آنان را بسوی ارتکاب جرم بخصوص جرایمی نظیر سرقت و جیب بری، سوق میدهد. ولی با توجه به اینکه قسمت اعظم جرائم صغار از نوع سرقت و جیب بری و یا نزاع های دسته جمعی است و باز با توجه باینکه مطابق آمارهای مربوط، اینگونه جرایم غالباً در اماکن عمومی و مکانهای پر آمد و شد نظیر فروشگاههای بزرگ - سینماها - تئاترها - کافهها - پارکهای عمومی و خیابانهای شلوغ انجام میگردد، بنابراین پلیس خواهد توانست با مراقبت دائمی از اینگونه مکانها، جرائم اطفال را تا حد قابل ملاحظه ای تقلیل داده و مرتکبین یا ولگردان و مظنونین بارتکاب جرم را بموقع دستگیر و بکلانتری یا بدادگاه اطفال تحویل دهد. این موضوع بهمان اندازه صادق است که مراقبت پلیس راهنمایی از جاده ها و در سر چهارراهها در تقلیل تصادفات و سلب نقیصه و جلوگیری از تخلف رانندگان بی مبالات مؤثر است.

برای روشن شدن مطلب، بهتر است تجاربی را که بعضی از کشورهای اروپائی در این زمینه بعمل آورده اند در اینجا ذکر کنیم:

در تابستان سال ۱۹۵۸، بر اثر علل و عوامل خاص اجتماعی و اقتصادی که در فرانسه پدید آمده بود، جوانان بیکار و ولگرد بدور هم جمع شده بصورت دستجات مجهزی که بعدها بنام «جامه سیاهان» نامیده شدند، دست بسرقت، جیب بری و اذیت و آزار مسافرین و عابریین آخر شب در کوچهها و خیابانها زدند.

مرکز فعالیت اینگونه ولگردان بیشتر در نواحی ساحلی فرانسه بخصوص در سواحل

۱- Les blousons-noirs.

۲- Riviera.

دریای مدیترانه^۲ و سواحل آبی^۳ قرار داشت. زیرا بعلت ازدیاد مسافران خارجی در این نواحی و نداشتن دیوار و حصار در پلاژهای آن حدود، سرقت در این مناطق برای دستجات مذکور بسیار ساده بود.

بموجب آماري که بعدها پلیس فرانسه منتشر کرد، در آن سال جرایم اطفال ۶۵٪ نسبت به سال قبل در آن نواحی اضافه شده بود. پلیس فرانسه به این پیشامد توجه خاصی کرد و سال بعد در صدد مقابله جدی با «جامه سیاهان» برآمد. در تابستان ۱۹۵۹، پلیس نواحی ساحلی فرانسه با تجهیز دستجات خاصی به بازرسی شدید این نواحی اقدام کرد و برای تأمین این منظور قریب سی هزار نفر از سیصد هزار نفر جوانان کمتر از ۲۱ ساله را که برای گذراندن تعطیلات بآن نواحی آمده بودند و سرووضع ظاهری مرتب و مناسبی نداشتند تحت بازجویی قرار داد. در این بازجوییها پس از احراز هویت، هر گاه معلوم میشد که جوان مظنون وجهی برای گذراندن تعطیلات خود ندارد و یا دارای ممر عایدی ثابتی نمیشد او را توقیف کرده و مراتب را با خانواده اش در میان میگذاشتند. در صورتیکه صغیر مذکور خانواده ای داشت و پدر و مادرش قبول میکردند که او را تحت نظر داشته و مراقبتش را بعهده بگیرند، در این صورت او را به شهر خود به نزد ادلیایش اعزام میکردند، ولی در غیر این صورت، پلیس او را به کانونهای اصلاح و تربیت یا کار و آموزش و یا مؤسسات دیگری مشابه آنها تحویل میداد تا تحت مراقبت و تربیت مجدد قرار گیرد.

این کنترل در تابستان سال ۱۹۶۰ نیز بهمان شدت ادامه یافت و نتیجه این شد که جرایم اطفال مخصوصاً سرقت و جیب‌بری در نواحی ساحلی فرانسه بنحو قابل ملاحظه‌ای تقلیل یافته و در حدود ۸۰٪ تنزل کند، بالاخره هشماری و مراقبت پلیس فرانسه باعث شد که مفاهیم و ارزشهای اخلاقی که در آن سالها در سواحل جنوبی فرانسه بشدت دستخوش عکس‌العمل‌های تب‌آلود عده‌ای از جوانان ولگرد و بی‌بند و بار قرار گرفته بود حفظ شده و بالنتیجه نظم عمومی در نقاط مذکور مجدداً مستقر شود.^۲

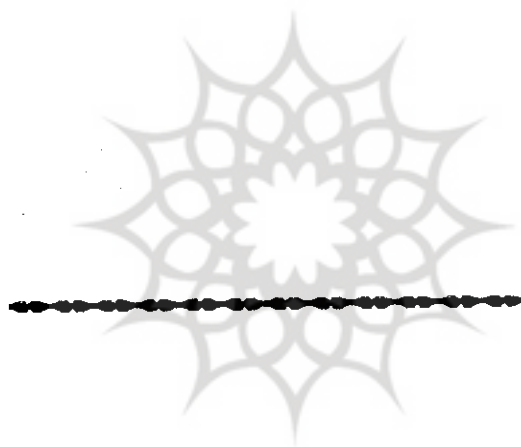
در سالهای ۶۰-۱۹۵۹ موارد مشابهی از عملیات مجرمانه جامه سیاهان در بعضی از شهرهای سوئیس مخصوصاً در زوریخ، مشاهده گردید که بر اثر آمادگی پلیس و دستگیری بیش از سیصد تن از جوانان ولگرد، جرایم مذکور در سالهای بعد بنحو فاحشی تنزل یافت.

۱- Côte d'Azur.

۲- استخراج از گزارش کمیسر پلیس فرانسه (Susini) که در مجله:

Revue de Science Criminelle et de droit pénal Comparé 1960
چاپ شده است.

هوج ولگردی و هرج و مرج طلبی جوانان که در سالهای ۵۹-۱۹۵۸ از اروپا شروع شده بود ببعضی از کشورهای صنعتی آسیا نیز سرایت کرد و از آنجمله در ژاپن جرایم صفار در فاصله سالهای ۵۹-۵۸ بنحوقابل ملاحظه‌ای افزایش یافت بطوریکه در سال ۱۹۵۹ اداره پلیس اطفال توکیو مجبور شد عملیات وسیعی را جهت مبارزه با جرایم صفار شروع کند. مبارزات پیگیر پلیس توکیو موجب شد که در آن سال قریب بیست هزار صغیر مجرم دستگیر و مجازات شوند و نیز بیش از ۱۹۲ هزار تن از صفار و جوانانیکه مظنون بارتکاب جرم بودند و یا در معرض فساد اخلاق قرار داشتند تحت مراقبت قرار گرفتند و با این روش تعداد جرایم صفار که در شهر توکیو رو با افزایش بود بنحومؤثری تقلیل یافت ،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی